



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۳ اسفند ۸۹

مصادف: ۱۸ ربیع الاول ۱۴۳۲

جلسه: ۶۷

موضوع کلی: چگونگی تشریح احکام

موضوع جزئی: نظریه امام(ره): خطابات قانونیه

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

نظر امام(ره):

در جلسات گذشته نظرات مرحوم محقق نائینی و عراقی را اجمالاً در باب چگونگی تشریح احکام شریعه عرض کردیم که در هر کدام از این انظار به خصوص نظر مرحوم نائینی تا ملاتی بود و در مورد فرمایش محقق عراقی هم نکاتی مطرح بود که عرض کردیم. در ادامه بحث می‌رسیم به نظریه معروف امام(ره) تحت عنوان خطابات قانونیه، اصل این نظریه توسط امام ابداع شده و تا آنجایی که معلوم است قبل از ایشان این نظریه طرح نشده است. این نظریه آثار مختلفی هم در اصول و هم در فقه دارد و کلاً یک نگاه دیگری است در تشریح احکام شریعه.

امام(ره) این بحث را عمدتاً در دو موضع از علم اصول مطرح کرده‌اند. یکی در بحث از ثمره نهی از ضد بناً علی الاقتضاء، یعنی اینکه آیا امر به شی مقتضی نهی از ضد هست یا نیست؟ و دیگری در بحث شرطیت ابتلاء به تمام اطراف در تنجز علم اجمالی.^۱ همچنین در تقریرات اصولی هم که از امام منتشر شده این بحث مطرح شده است.^۲

خلط بین خطابات قانونیه و شخصی:

امام(ره) می‌فرماید به طور کلی بین خطابات کلیه و عامه که متوجه به عامه مکلفین است و خطابات شخصی که متوجه به آحاد مکلفین و افراد است خلط واقع شده، به عبارت دیگر خطابات بر دو قسم هستند: خطابات کلی و خطابات شخصی؛ بین خطاب کلی و شخصی فرق‌هایی است که به نظر امام(ره) عدم توجه به این فرق‌ها موجب خلط‌هایی شده است. ایشان به دو نمونه اشاره می‌کنند:

موضع اول:

از جمله مواردی که در آن خلط صورت گرفته این است که علماء علم اصول حکم کرده‌اند در صورتی که بعضی از افراد از محل ابتلاء خارج باشند علم اجمالی منجز نخواهد بود، مثلاً اگر فرض کنید علم اجمالی دارید که لباسی که در اینجا دارید نجس است یا لباسی که همراه خود برده بودید سفر و جا گذاشتید و دیگر دسترسی به آن ندارید؛ در این فرض علماء اصول می‌گویند چون یک طرف علم اجمالی از محل ابتلاء خارج شده، علم اجمالی دیگر منجز نخواهد بود. چون

۱. مناهج الوصول، ج ۲، صفحه ۲۵ تا ۲۸

۲. انوار الهدایه، ج ۲، ص ۲۱۴ تا ۲۱۶

۳. تنقیح الاصول، ج ۲، ص ۱۲۳ تا ۱۲۸

توهم کرده‌اند توجه خطاب نسبت به بعضی از اطراف که از محل ابتلاء خارج باشد مستهجن است، به عبارت دیگر اگر علماء گفته‌اند که علم اجمالی در صورت خروج بعضی از اطراف از محل ابتلاء، دیگر منجز نخواهد بود به این دلیل است که دیگر توجه خطاب به آن طرفی که از محل ابتلاء خارج است مستهجن است، چون وقتی امکان ارتکاب آن نیست، چطور می‌شود نهی از انجام آن را صادر کند، لذا خروج از محل ابتلاء باعث می‌شود علم اجمالی دیگر منجز نباشد.

موضع دوم:

همچنین ایشان می‌فرماید علماء اصول توهم کرده‌اند که معقول نیست خطاب به عاجز، غافل و ساهی متوجه شود، چون خطابات برای این است که مکلفین به واسطه این خطابات منبعث بشوند در حالی که انبعاث عاجز، غافل و ساهی و امثال اینها معقول نیست. توجه خطاب به عاجز و غافل لغو است. اصلاً صدور خطاب از ناحیه شخص حکیم نسبت به شخص غافل و عاجز لغو است. به عبارت دیگر غرض از خطاب شرعی تحریک و بعث مکلفین به انجام آن کار است و بعث به این هدف صورت می‌گیرد که مکلف منبعث شود و تحریک می‌کنند که او تحریک بشود. حال کسی که قدرت ندارد اصلاً نمی‌تواند از این خطاب منبعث شود. آدمی که غفلت دارد توجه خطاب به او اصلاً ممتنع یا لغو است.

امام (ره) این دو موضع را ذکر می‌کنند و می‌گویند علماء اصول گفته‌اند خروج بعضی از اطراف از محل ابتلاء باعث می‌شود علم اجمالی منجز نباشد و اصلاً خطاب متوجه طرف خارج از ابتلاء نشود و همچنین گفته‌اند خطاب متوجه به غافل، عاجز و ساهی نخواهد شد چون آنها نمی‌توانند از این خطابات منبعث شوند.

ریشه اشتباه در این دو موضع:

امام (ره) می‌فرماید علت اینکه علماء اصول این دو مطلب را گفته‌اند این است که به فرق بین خطابات شخصیه و قانونیه توجه نکرده‌اند و خطابات را به یک سیاق دیده‌اند. در حالی که دو نوع خطاب داریم: یکی به نام خطابات قانونیه یا کلیه که سنخ این خطابات با خطابات شخصیه کاملاً متفاوت است و یکی خطابات شخصیه و فرق این دو در این است که خطابات کلیه و قانونیه متوجه به عناوین کلیه است مثل انسان، المومنون، الناس؛^۴ اما در خطابات شخصیه اصلاً عناوین کلی و عام وجود ندارد بلکه متوجه به افراد و اشخاص است، برای همین است که می‌گویند اگر مثلاً افراد و اشخاص عاجز باشند و غافل باشند از این خطابات منبعث نمی‌شوند، اگر خطاب شخصی باشد توجه خطاب به آنها معنا ندارد، چون آنها از این خطاب منبعث نمی‌شوند ولی در خطابات کلیه همین که در بین آن عنوان عام کسانی وجود داشته باشند که امکان انبعاث در آنها باشد کافی است و لو عده ای هم امکان انبعاث در آنها نباشد، یعنی وقتی عبارت عامی مثل ایها الناس و ... در خطاب استفاده می‌شود همین که بیش از نیمی از ناس منبعث شوند کفایت می‌کند و لازم نیست این خطاب نسبت به همه افراد باعثیت داشته باشد و همین اندازه که در مورد اغلب افراد انبعاث امکان داشته باشد کافی است و لو اینکه درصدی هم قادر نباشد یا غافل باشند، پس عجز و غفلت مانع توجه خطاب نیست. خطاب در خطابات کلی و قانونیه متوجه همه مردم است و استثناء هم ندارد، یعنی خطاب به عاجز و غافل و ساهی و نائم هم توجه پیدا می‌کند، تنها چیزی که هست این است که آن افراد معذر دارند یعنی در مورد عقاب عذر دارند و این غیر از این است که بگوییم اصلاً خطاب متوجه آنها نمی‌شود.

۴. لله علی الناس حج البیت

پس به نظر امام(ره) خطابات شخصیه اصلا صحیح نیست به کسی متوجه شود که عاجز است یا قدرت بر اتیان ندارد، این عدم قدرت بر اتیان هم فرق نمی کند که شرعی باشد یا عقلی؛ اما در خطابات کلیه چون عنوان کلی و عام است، می تواند همه را مورد خطاب قرار دهد، تعبیر امام(ره) این است توجه خطاب به عاجزین در خطابات مستهجن است ولی توجه خطاب به عاجزین در خطابات کلیه مستهجن نیست، به عبارت دیگر ملاک و معیار قبح و استهجان در خطابات کلیه و شخصیه فرق دارد، استهجان خطاب شخصی وقتی است که شخص مخاطب متمکن از اتیان نباشد یا استهجان در خطاب شخصی به این است که مخاطب قدرت بر انجام عمل نداشته باشد، اما در مورد خطابات کلیه و عامه استهجان وقتی پیدا می شود که غالب افراد متمکن نباشند اما اگر اغلب متمکن باشند و همه مورد خطاب واقع شوند و لو درصدی هم عاجز باشند این دیگر استهجان ندارد، پس خطاب طبق نظریه خطابات قانونیه متوجه همه مکلفین است، حتی عاجزین و غافلین و غیر قادرین و توجه خطاب به عنوان عام نسبت به همه مکلفین به نحوی که شامل عاجزین و غیر قادرین بشود هیچ استهجانی ندارد، چون ملاک این چند نفر که نیستند. پس به نظر امام(ره) خلطی بین خطابات کلیه و شخصیه واقع شده که این باعث شده در مسئله شرطیت ابتلاء قائل شوند خروج از محل ابتلاء تنجیز علم اجمالی را از بین می برد و یا در مورد دوم قائل شوند.

شاهد: توجه خطاب به عاجز و غافل و ... معقول نیست.

شاهد بر این مطلب که خطابات قانونیه عام است و شامل غافل و ساهی و عاجز می شود، این است که خطابات و اوامر الهیه شامل عاصیان هم می شود و حتی به نظر ایشان محققین معتقدند خطابات و اوامر شرعیه شامل کفار هم می شود، پس وقتی خطاب شامل کسانی که دستورات الهی را انجام نمی دهند می شود دیگر اشکالی ندارد که خطاب شامل غافلین و عاجزین هم بشود، اگر قرار بود که خطاب به عاجز، غافل و ساهی مستهجن باشد باید توجه خطاب به کفار که معلوم العصیان هستند از اقبیح مستهجنات باشد یا توجه خطاب به عاصیان باید قبیح باشد.

خلاصه این که امام(ره) می فرمایند خطابات کلیه و قانونیه به همه افراد توجه پیدا می کند و وجود کسانی که عاجز یا ساهی یا غافل یا عاصی باشند و هیچ مشکل و استهجانی پیدا نمی کند، چون ملاک اغلب است، حالا بعضی ها معذور هستند مثل جاهل و ساهی و بعضی هم معذور نیستند مثل عصاء و کفار.

مبنا:

اما اینکه چرا خطابات شخصیه نمی توانند متوجه عاجز و غافل بشوند و توجه خطاب به آنها مستهجن است ولی خطابات کلیه می توانند متوجه عاجز بشوند و توجه خطاب به عاجز مستهجن نیست؟ این مسئله مهمی است که در جلسه آینده باید به آن پردازیم.